

## The Relationship between Childhood Abuse Experiences with Dark Triad Traits of Personality among Students of Islamic Azad University of Urmia Branch, 2015

Sonia Badbareh<sup>1</sup>, Ali Zeinali\*<sup>2</sup>

1- MA of General Psychology, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Azarbayjan-e-Gharbi, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Azarbayjan-e-Gharbi, Iran.

Received: March 6 2016, Accepted: 18 May 2016

### Abstract

**Background:** One of the most important effective environmental factors in shaping personality disorders is childhood abuse experiences. This study aimed to investigate the relationship between childhood abuse experiences with dark triad traits of personality among university students.

**Materials and Methods:** This descriptive- analytical study was a correlational study. The statistical population included all university students in Islamic Azad university of Urmia branch in year 2015. Totally, 400 students were selected through randomly cluster sampling method. All of them completed the questionnaires of childhood abuse experiences and dark triad traits of personality. Data were analyzed by using the SPSS-19 software and by Pearson's correlation and multivariate regression method.

**Results:** Physical abuse had a negative significant relationship with narcissism ( $r=-0.099$ ) and had a positive significant relationship with psychopathy ( $r=0.248$ ) and Machiavellism ( $r=0.189$ ). Emotional abuse had a positive significant relationship with narcissism ( $r=0.089$ ), psychopathy ( $r=0.164$ ) and Machiavellism ( $r=0.245$ ). Sexual abuse had a negative significant relationship with narcissism ( $r=-0.108$ ). Neglect abuse had a positive significant relationship with narcissism ( $r=0.157$ ) and had a negative significant relationship with psychopathy ( $r=-0.208$ ) and Machiavellism ( $r=-0.171$ ). Also, childhood abuse experiences significantly predicted 7.6 percent of variance of narcissism, 7 percent of variance of psychopathy and 6.7 percent of variance of Machiavellism ( $p\leq 0.05$ ).

**Conclusion:** According to findings of this research, counselors and therapists must consider the symptoms of these variables and design appropriate programs based on them to prevent shaping dark triad traits of personality.

**Keywords:** Childhood abuse, Experiences, Personality, Students, Traits

\*Corresponding Author:

Address: Department of Psychology, Urmia Branch, Azad Islamic University, Azarbayjan-e-Gharbi, Iran.

Email: a.zeinali@iaurmia.ac.ir

## رابطه تجربه‌های سوء رفتار دوره کودکی با صفات سه‌گانه تاریک شخصیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۳۹۴

سونیا بادبره<sup>۱</sup>، علی زینالی<sup>۲\*</sup>

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.

۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی موثر در شکل‌گیری اختلال‌های شخصیت، تجربه‌های سوء رفتار کودکی است. این مطالعه با هدف بررسی رابطه تجربه‌های سوء رفتار دوره کودکی با صفات سه‌گانه تاریک شخصیت دانشجویان انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع هم‌بستگی بود. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۳۹۴ بودند. در مجموع، ۴۰۰ دانشجو با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. همه آنان پرسش‌نامه‌های تجربه‌های سوء رفتار دوره کودکی و صفات سه‌گانه تاریک شخصیت را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ و با روش هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** سوء رفتار جسمی با خودشیفتگی ( $r = -0.099$ ) رابطه منفی و معنی‌دار و با جامعه ستیزی ( $r = 0.248$ ) و ماکیاولیسم ( $r = 0.189$ ) رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. سوء رفتار عاطفی با خودشیفتگی ( $r = 0.089$ )، جامعه ستیزی ( $r = 0.164$ ) و ماکیاولیسم ( $r = 0.245$ ) رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. سوء رفتار جنسی با خودشیفتگی ( $r = 0.108$ ) رابطه منفی و معنی‌دار داشت. سوء رفتار غفلت با خودشیفتگی ( $r = 0.157$ ) رابطه مثبت و معنی‌دار و با جامعه ستیزی ( $r = -0.208$ ) و ماکیاولیسم ( $r = -0.171$ ) رابطه منفی و معنی‌دار داشت. هم‌چنین، تجربه‌های سوء رفتار کودکی به طور معنی‌داری توانستند ۷/۶ درصد از تغییرات خودشیفتگی، ۷ درصد از تغییرات جامعه ستیزی و ۶/۷ درصد از تغییرات ماکیاولیسم را پیش‌بینی کنند ( $p \leq 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش، مشاوران و درمان‌گران باید به نشانه‌های این متغیرها توجه کرده و بر اساس آن‌ها برنامه‌های مناسبی برای جلوگیری از شکل‌گیری صفات سه‌گانه تاریک شخصیت طراحی کنند.

**واژگان کلیدی:** سوء رفتار کودکی، تجربه‌ها، شخصیت، دانشجویان، صفات

\*نویسنده مسئول: ایران، آذربایجان غربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، گروه روان‌شناسی

Email: a.zeinali@iaurmia.ac.ir

## مقدمه

هم‌زمان با پیشرفت صنعت و فن‌آوری، اختلال‌های روانی افزایش چشم‌گیری یافته که از مهم‌ترین اختلال‌های روانی می‌توان به اختلال‌های شخصیت اشاره کرد (۱). شخصیت به معنای الگوی منحصر به فرد و نسبتاً پایدار تجارب درونی و رفتار بیرونی است. اکثر افراد به طور نسبتاً قابل پیش‌بینی به پدیده‌ها واکنش نشان می‌دهند و در عین حال نوعی انعطاف‌پذیری سازگارانه هم دارند، اما افراد مبتلا به اختلال شخصیت از این انطباق و انعطاف‌پذیری محرومند (۲). اختلال شخصیت یک الگوی پایدار از تجربه رفتار شخصی است که آشکارا با انتظارات اجتماعی و فرهنگی مغایرت دارد و در طول زمان باعث درماندگی می‌شود. اختلال شخصیت از لحاظ بالینی به پریشانی و اختلال قابل ملاحظه در کارکردهای اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌ها منجر می‌شود و زمینه بسیاری از مشکلات پزشکی و روان‌پزشکی را به وجود می‌آورد (۳). اختلال‌های شخصیت از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و پزشکی هستند و روان‌پزشکان و متخصصان بهداشت روانی به این اختلال‌ها توجه زیادی دارند. شیوع این اختلال‌ها در جمعیت عادی بین ۱۱ تا ۲۳ درصد است (۴).

براساس ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، اختلال‌های شخصیت به سه خوشه کلی A، B و C تقسیم می‌شوند. اختلال‌های خوشه A شامل اختلال‌های پارانوئید، اسکیزوئید، اسکیزوتایپی و غیره، اختلال‌های خوشه B شامل اختلال‌های ضد اجتماعی، مرزی، نمایشی، خودشیفته و غیره و اختلال‌های خوشه C شامل اختلال‌های اجتنابی، وابسته، وسواسی - اجباری و غیره هستند (۵). اختلال‌های خوشه B به علت شیوع بالاتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توجه روان‌پزشکان و روان‌شناسان بسیاری را به خود جلب کرده است (۶). صفات سه‌گانه تاریک شخصیت بخش اصلی اختلال‌های شخصیت خوشه B می‌باشند که از مهم‌ترین صفات تاریک شخصیت می‌توان به شخصیت‌های خودشیفته، جامعه ستیز و ماکیاولیسم اشاره کرد (۷). افراد خودشیفته دارای ویژگی‌های

الگوی فراگیر بزرگ منشی در عالم خیال و رفتار، نیازمند تحسین و فقدان همدلی هستند. افراد جامعه ستیز دارای ویژگی‌های بی‌رحمی، عدم همدلی، رفتارهای خودسرانه و رفتارهای ضد اجتماعی هستند. افراد ماکیاولیسم دارای ویژگی‌های دغل بازی و ریاکاری هستند (۸).

در ایجاد و گسترش اختلال‌های شخصیت عوامل متعددی مانند عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، محیطی و غیره نقش دارند. اغلب اعتقاد بر این است که عوامل زیست‌شناختی پایه و اساس شخصیت می‌باشند، در حالی که عوامل محیطی شکل ابراز ویژگی‌های شخصیتی را در درون محدوده خاص (عوامل زیستی) تعیین می‌کنند (۹). از عوامل محیطی که ممکن است در بروز اختلال‌های شخصیت موثر باشند، می‌توان به کیفیت روابط خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری، کیفیت روابط اجتماعی و تجربه‌های دوران کودکی اشاره کرد (۱۰). تجربه دوران کودکی به ویژه تجربه‌های سوء رفتار کودکی نقش مهمی در ایجاد نشانه‌های اختلال شخصیت دارند (۱۱). سوء رفتار کودکی عبارت است از آسیب‌های جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت به یک کودک که توسط فرد مسئول رفاه و آسایش کودک اعمال می‌شود و این سوء رفتارها می‌توانند به صورت تنهایی یا همراه با هم اتفاق بیفتند. سوء رفتار جسمی یکی از شدیدترین اشکال سوء رفتار است که شامل وارد کردن صدمه جسمی عمدی به کودک توسط والد یا مراقب‌کننده از کودک است. سوء رفتار عاطفی شامل اعمال کلامی یا نمادی عمدی توسط والد یا مراقب‌کننده از کودک است که به صدمه عاطفی یا روانی منجر می‌شود. سوء رفتار جنسی شامل هر گونه عمل جنسی با هدف ارضای جنسی والد یا مراقب‌کننده از کودک انجام می‌شود. سوء رفتار غفلت، هر گونه عمل یا عدم انجام عمل توسط والد یا مراقب‌کننده از کودک است که کودک را از نیازهای اساسی محروم می‌کند و باعث صدمه جسمی یا عاطفی می‌شود (۱۲).

تجربه سوء رفتار یکی از عوامل محیطی خطرزا در ایجاد و رشد اختلال‌های شخصیت می‌باشد. هم‌چنین نوع سوء رفتار تجربه شده در کودکی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده

یک ارتباط معنی دار منفی بین کودک آزاری و شخصیت ضد اجتماعی وجود دارد (۱۶).

با توجه به این که میزان شیوع اختلال های شخصیت در جمعیت عادی بین ۱۲ تا ۲۱ درصد گزارش شده که بسیار بالا و نیازمند برنامه ریزی مناسب است (۱۷) و صفات تاریک شخصیت با رفتارهای ناهنجار مثل فرصت طلبی، روابط جنسی کوتاه مدت و غیره مرتبط است (۱۸) و هم چنین با نظر به این که صفات تاریک شخصیت تحت تأثیر تجربه های سوء رفتار کودکی هستند (۱۹) و پژوهش های اندکی درباره رابطه انواع تجربه های سوء رفتار کودکی با صفات تاریک شخصیت انجام شده که نتایج عمده آن ها متناقض بوده است، از این رو انجام پژوهشی در زمینه تجربه های سوء رفتار کودکی و صفات سه گانه تاریک شخصیت با هدف ارائه پیشنهادهایی کاربردی در این زمینه ضروری می باشد. به این ترتیب مساله اساسی این پژوهش این است که آیا بین انواع تجربه های سوء رفتار دوره کودکی با صفات سه گانه تاریک شخصیت رابطه وجود دارد؟ بنابراین هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه تجربه های سوء رفتار دوره کودکی با صفات سه گانه تاریک شخصیت بود.

### مواد و روش ها

این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع هم بستگی است. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۳۹۴ بود. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد. حجم جامعه ۱۳۱۷۹ نفر بود که بر اساس جدول مذکور حجم نمونه ۳۷۵ نفر به دست می آمد، اما در این پژوهش ۴۰۰ دانشجو با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. از ۴۰۰ پرسش نامه توزیع شده، تعداد ۳۸۵ پرسش نامه به طور تکمیل شده دریافت شد (یعنی نرخ مشارکت در پژوهش برابر با ۹۵ درصد بود). روند اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از هماهنگی با معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه نامه همکاری با پژوهش گر توسط

اختلال شخصیت خاصی در دوره بزرگ سالی باشد (۱۳). پژوهش های اندکی درباره رابطه انواع تجربه های سوء رفتار کودکی با صفات تاریک شخصیت (خودشیفته، جامعه ستیز و ماکیاولیسم) انجام شده و نتایج پژوهش ها درباره رابطه انواع تجربه های سوء رفتار کودکی صفات تاریک شخصیت متناقض بوده است. برای مثال، گراور و همکاران در پژوهشی با عنوان رابطه بین سوء رفتار کودکی با نشانه های اختلال شخصیت نوجوانان به این نتیجه رسیدند که سوء رفتار جسمی، عاطفی و جنسی با خودشیفتگی و جامعه ستیزی رابطه معنی دار مستقیمی داشتند، اما با ماکیاولیسم رابطه معنی داری نداشتند. هم چنین سوء رفتار غفلت با جامعه ستیزی و ماکیاولیسم رابطه معنی دار معکوس داشت، اما با خودشیفتگی رابطه معنی داری نداشت (۱۴). در پژوهشی دیگر، بیرر و همکاران ضمن بررسی سوء رفتار کودکی و رابطه آن با تشخیص اختلال شخصیت به این نتیجه رسیدند که سوء رفتار جسمی و عاطفی با خودشیفتگی، جامعه ستیزی و ماکیاولیسم رابطه معنی دار مثبتی داشتند. سوء رفتار جنسی با خودشیفتگی رابطه معنی دار منفی داشت، اما با جامعه ستیزی و ماکیاولیسم رابطه معنی داری نداشت. سوء رفتار غفلت با خودشیفتگی، جامعه ستیزی و ماکیاولیسم رابطه معنی دار منفی داشت (۱۵). هم چنین سیدمهدوی اقدم و همکاران در پژوهشی با عنوان رابطه تجربه انواع مختلف سوء رفتار دوره کودکی و اختلال های شخصیت خوشه B به این نتیجه رسیدند که بین سوء رفتار جنسی با اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی و نمایشی هم بستگی مثبت و معنی دار، بین سوء رفتار عاطفی با اختلال شخصیت خودشیفته رابطه منفی و معنی دار و با اختلال شخصیت مرزی و ضد اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار وجود داشت. هم چنین بین سوء رفتار جسمی و تجربه غفلت با اختلال شخصیت ضد اجتماعی و مرزی رابطه مثبت و معنی دار وجود داشت (۱۰). به علاوه، طهماسبیان و همکاران در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه کودک آزاری والدین و ویژگی های شخصیتی با الگوی شرارت و رفتار جنایی در بین زندانیان شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که

(کاملاً موافقم) نمره گذاری می شود. و دارای سه بعد صفات تاریک شامل خودشیفته، جامعه ستیز و ماکیاولیسم است. نمره ابعاد با جمع کردن نمره گویه های آن بعد به دست می آید و هر چه آزمودنی نمره بالاتری کسب کند، به میزان بیشتری دارای آن ویژگی است. آنان روایی صوری و روایی سازه ابزار را تایید کردند و پایایی کل ابزار و صفات تاریک خودشیفته، جامعه ستیز و ماکیاولیسم را با روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش کردند (۱۸).

لازم به ذکر است برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی یعنی شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی برای توصیف توزیع متغیرها و از روش هم بستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با مدل هم زمان برای آزمون فرض های آماری استفاده شد. هم چنین برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

#### یافته ها

شرکت کنندگان ۳۸۵ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه با میانگین سنی ۲۳/۱۴ سال بودند که ۲۱۷ نفر مرد (۵۶/۳۶ درصد) و ۱۶۸ نفر زن (۴۳/۶۴ درصد) بودند. از میان آنان، ۳۱۶ نفر مجرد (۸۲/۰۸ درصد) و ۶۹ نفر متأهل (۱۷/۹۲ درصد) بودند. هم چنین ۳۳ نفر در رشته پیراپزشکی (۸/۵۷ درصد)، ۱۸۵ نفر در رشته انسانی (۴۸/۰۵ درصد)، ۴۹ نفر در رشته علوم پایه (۱۲/۷۳ درصد) و ۱۱۸ نفر در رشته فنی و مهندسی (۳۰/۶۵ درصد) مشغول به تحصیل بودند. علاوه بر این، ۱۲۵ نفر دانشجوی سال اول (۳۲/۴۷ درصد)، ۹۸ نفر دانشجوی سال دوم (۲۵/۴۵ درصد)، ۶۷ نفر دانشجوی سال سوم (۱۷/۴۰ درصد) و ۹۵ نفر دانشجوی سال چهارم (۲۴/۶۸ درصد) بودند. پیش از انجام تحلیل داده ها به روش تحلیل رگرسیون چندگانه، پیش فرض های رگرسیون چندگانه بررسی شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هیچ یک از متغیرها معنی دار نبود که این یافته حاکی از آن است که فرض نرمال بودن برقرار است. مقدار عامل تورم واریانس برابر با ۱/۶۱۵ بود که فاصله بسیار زیادی با عدد ۱۰ دارد، بنابراین فرض هم خطی چندگانه رد می شود.

دانشکده های مختلف گرفته شد. پس از پرسیدن حجم جامعه دانشجویان دانشکده های مختلف، با توجه به حجم آن ها و با رعایت نسبت حجم جامعه دانشکده ها (به عبارت دیگر از دانشکده هایی که حجم بزرگ تری داشتند، نمونه بیش تری گرفته شد) در مجموع، ۳۸۵ دانشجو از دانشکده های مختلف انتخاب شدند. پس از بیان هدف و دریافت رضایت نامه کتبی جهت شرکت در پژوهش، پرسش نامه ها توزیع و پس از تکمیل توسط دانشجویان جمع آوری شد.

هم چنین معیار ورود به مطالعه برخوردار از سلامت جسمی و روانی بر اساس پاسخ شرکت کننده و بررسی به عمل آمده از نظر محقق، داشتن سن ۱۸ تا ۲۶ سال و عدم رخداد عامل تنیدگی زا مانند طلاق یا مرگ عزیزان نزدیک در شش ماه گذشته بود. معیار خروج از مطالعه نیز امتناع شرکت کننده از ادامه همکاری و یا دستیابی به پرسش نامه های نامعتبر بود. در این مطالعه از ابزارهای زیر استفاده شد:

برای اندازه گیری تجربه های سوء رفتار دوره کودکی از پرسش نامه کودک آزاری استفاده شد که توسط محمدخانی و همکاران طراحی شد. این ابزار دارای ۵۴ گویه است که با استفاده از مقیاس چهار درجه ای لیکرت از صفر (هرگز) تا سه (همیشه) نمره گذاری می شود. هم چنین دارای چهار بعد تجربه های سوء رفتارهای جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت است. نمره ابعاد با جمع کردن نمره گویه های آن بعد به دست می آید و هر چه آزمودنی نمره بالاتری کسب کند، به معنای آن است که در آن بعد به میزان بیشتر مورد سوء استفاده قرار گرفته است. سپس روایی محتوایی و روایی ملاکی ابزار را تأیید کردند و پایایی کل ابزار و سوء رفتارهای جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۸ تا ۰/۹۲ گزارش کردند (۲۰).

برای اندازه گیری صفات تاریک شخصیت از مقیاس دوازده پلید استفاده شد که توسط جانسون و وبستر طراحی شد. این ابزار دارای ۱۲ گویه است که با استفاده از مقیاس نه درجه ای لیکرت از یک (کاملاً مخالفم) تا نه

سوء رفتار کودکی با صفات تاریک شخصیت دانشجویان ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی تجربه های سوء رفتار کودکی با

صفات سه گانه تاریک شخصیت دانشجویان			
متغیر پیش بین / متغیر ملاک	خودشیفتگی	جامعه ستیزی	ماکیاولیسم
سوء رفتار جسمی	-.۰۹۹*	.۰۳۴۸**	.۰۱۸۹**
سوء رفتار عاطفی	.۰۸۹*	.۰۱۶۴**	.۰۲۴۵**
سوء رفتار جنسی	-.۰۱۰۸*	.۰۰۶۹	.۰۰۲۱
سوء رفتار غفلت	.۰۱۵۷**	-.۰۲۰۸**	-.۰۱۷۱**

\* $p \leq 0.05$       \*\* $p \leq 0.01$

طبق یافته های جدول ۲، سوء رفتار جسمی با خودشیفتگی ( $r = -0.099$ ) رابطه منفی و معنی دار و با جامعه ستیزی ( $r = 0.248$ ) و ماکیاولیسم ( $r = 0.189$ ) رابطه مثبت و معنی داری داشت. سوء رفتار عاطفی با خودشیفتگی ( $r = 0.089$ )، جامعه ستیزی ( $r = 0.164$ ) و ماکیاولیسم ( $r = 0.245$ ) رابطه مثبت و معنی دار داشت. سوء رفتار جنسی با خودشیفتگی ( $r = -0.108$ ) رابطه منفی و معنی دار داشت. سوء رفتار غفلت با خودشیفتگی ( $r = 0.157$ ) رابطه مثبت و معنی دار و با جامعه ستیزی ( $r = 0.208$ ) و ماکیاولیسم ( $r = -0.171$ ) رابطه منفی و معنی دار داشت. در جدول ۳ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه با روش هم زمان برای بررسی توانایی پیش بینی شخصیت خودشیفتگی دانشجویان ارائه شده است.

هم چنین مقدار دوربین-واتسون برابر با ۱/۹۸۱ بود که از صفر و ۴ فاصله دارد، بنابراین فرض همبستگی پسماندها نیز رد می شود. از این رو، پیش فرض های استفاده از رگرسیون وجود دارد (۲۱). در جدول ۱ شاخص های توصیفی میانگین، انحراف معیار، کم ترین مقدار و بیش ترین مقدار متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی میانگین، انحراف معیار، کم ترین مقدار و بیش ترین مقدار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کم ترین مقدار	بیش ترین مقدار
سوء رفتار جسمی	۲/۴۵	۳/۶۹۰	۰	۲۴
سوء رفتار عاطفی	۷/۲۸	۶/۸۹۹	۰	۳۹
سوء رفتار جنسی	۱/۳۷	۲/۰۵۵	۰	۱۵
سوء رفتار غفلت	۲۵/۳۲	۶/۶۶۶	۰	۳۳
خودشیفتگی	۲۵/۸۹	۸/۲۸۳	۴	۳۶
جامعه ستیزی	۱۲/۴۸	۶/۲۷۰	۴	۳۶
ماکیاولیسم	۱۱/۵۰	۶/۵۲۲	۴	۳۶

در جدول ۱ شاخص های توصیفی میانگین، انحراف معیار، کم ترین مقدار و بیش ترین مقدار متغیرهای تجربه های سوء رفتار کودکی شامل سوء رفتارهای جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت و صفات تاریک شخصیت شامل خودشیفتگی، جامعه ستیزی و ماکیاولیسم ارائه شده است. در جدول ۲ نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین تجربه های

جدول ۳. خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم زمان برای پیش بینی خودشیفتگی دانشجویان

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	Df	آماره F	معنی داری	$\beta$	p
سوء رفتار جسمی	۰/۲۷۷	۰/۰۷۶	۴	۷/۸۶۶	۰/۰۰۰۵	۰/۲۶۰	۰/۱۱۹
سوء رفتار عاطفی							
سوء رفتار جنسی			۳۸۰			-.۰۰۸۳	۰/۱۰۲
سوء رفتار غفلت						۰/۲۲۱	۰/۰۰۰۵

معنی داری ۷/۶ درصد از تغییرات خودشیفتگی دانشجویان را پیش بینی کنند ( $r^2 = 0.076$ ,  $p = 0.0005$ ). هم چنین در این مدل سوء رفتار عاطفی بیش ترین اثر مستقیم و معنی دار و

طبق یافته های جدول ۳، تجربه های سوء رفتار کودکی توانایی پیش بینی معنی دار خودشیفتگی دانشجویان را داشتند. تجربه های سوء رفتار کودکی توانستند به طور

نداشتند. در جدول ۴ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه با روش همزمان برای بررسی توانایی پیش‌بینی شخصیت جامعه‌سنجی دانشجویان ارائه شده است.

سوء رفتار غفلت کم‌ترین اثر مستقیم و معنی‌دار را بر روی خودشیفتگی دانشجویان داشتند، اما سوء رفتار جسمی و سوء رفتار جنسی اثر معنی‌داری بر روی خودشیفتگی دانشجویان

جدول ۴. خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه با روش همزمان برای پیش‌بینی جامعه‌سنجی دانشجویان

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	df	آماره F	معنی‌داری	$\beta$	معنی‌داری
سوء رفتار جسمی	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰	۴	۷/۱۸۰	۰/۰۰۰۵	۰/۱۸۴	۰/۰۰۳
سوء رفتار عاطفی						۰/۰۱۹	۰/۷۵۲
سوء رفتار جنسی			۳۸۰			۰/۰۰۴	۰/۹۳۰
سوء رفتار غفلت						-۰/۱۰۲	۰/۰۹۷

جامعه‌سنجی دانشجویان داشت، اما سوء رفتار عاطفی، جنسی و غفلت اثر معنی‌داری بر روی جامعه‌سنجی دانشجویان نداشتند. در جدول ۵ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه با روش همزمان برای بررسی توانایی پیش‌بینی شخصیت ماکیاولیسم دانشجویان ارائه شده است.

طبق یافته‌های جدول ۴، تجربه‌های سوء رفتار کودکی توانایی پیش‌بینی معنی‌دار جامعه‌سنجی دانشجویان را داشتند. تجربه‌های سوء رفتار کودکی توانستند به طور معنی‌داری ۷ درصد از تغییرات جامعه‌سنجی دانشجویان را پیش‌بینی کنند ( $r^2=0/070$ ,  $p \leq 0/0005$ ). هم‌چنین در این مدل فقط سوء رفتار جسمی اثر مستقیم و معنی‌دار بر روی

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه با روش همزمان برای پیش‌بینی ماکیاولیسم دانشجویان

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	Df	آماره F	معنی‌داری	$\beta$	p
سوء رفتار جسمی	۰/۲۶۰	۰/۰۶۷	۴	۶/۸۷۱	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۷۸	۰/۲۱۰
سوء رفتار عاطفی						۰/۱۸۸	۰/۰۰۲
سوء رفتار جنسی			۳۸۰			-۰/۰۳۲	۰/۵۲۸
سوء رفتار غفلت						-۰/۰۴۳	۰/۴۸۷

## بحث

یافته‌ها نشان داد که بین سوء رفتار جسمی با خودشیفتگی دانشجویان رابطه منفی و معنی‌دار و با جامعه‌سنجی و ماکیاولیسم رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت. بین سوء رفتار عاطفی با صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، جامعه‌سنجی و ماکیاولیسم) دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. بین سوء رفتار جنسی با خودشیفتگی دانشجویان رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت. بین سوء رفتار غفلت با خودشیفتگی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌دار و با جامعه‌سنجی و ماکیاولیسم آنان رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت. نتایج این پژوهش از

طبق یافته‌های جدول ۵، تجربه‌های سوء رفتار کودکی توانایی پیش‌بینی معنی‌دار ماکیاولیسم دانشجویان را داشتند. تجربه‌های سوء رفتار کودکی توانستند به طور معنی‌داری ۶/۷ درصد از تغییرات ماکیاولیسم دانشجویان را پیش‌بینی کنند ( $r^2=0/067$ ,  $p \leq 0/0005$ ). هم‌چنین در این مدل فقط سوء رفتار عاطفی اثر مستقیم و معنی‌دار بر روی ماکیاولیسم دانشجویان داشتند، اما سوء رفتار جسمی، جنسی و غفلت اثر معنی‌داری بر روی ماکیاولیسم دانشجویان نداشتند.

نقصی هستند که به طور دایم دچار صدمه جسمی می شوند که این عوامل در نهایت باعث می شوند که با افزایش سوء رفتار جسمی، میزان ماکیاولیسم و جامعه ستیزی افزایش و میزان خودشیفتگی کاهش یابد. در تبیین رابطه مثبت و معنی دار سوء رفتار عاطفی با هر سه صفات تاریک شخصیت می توان گفت افرادی که مورد سوء رفتار عاطفی قرار گرفتند کسانی بودند که به صورت کلامی یا نمادی (با استفاده از نیرنگ، زور و تحقیر) از طرف والد یا مراقبت کننده بارها دچار صدمه روانی شدند که این امر نخست باعث می شود آنان در روابط بین فردی بیشتر دغل باز و ریا کار باشند، رفتارهای ناهنجار و ضد اجتماعی داشته باشند و در عالم خیال برای خود شخصیت بزرگ و رویایی بسازند که این عوامل در نهایت باعث می شوند که با افزایش سوء رفتار عاطفی، میزان ماکیاولیسم، جامعه ستیزی و خودشیفتگی افزایش یابد. هم چنین در تبیین رابطه منفی و معنی دار سوء رفتار جسمی با خودشیفتگی می توان گفت افرادی که مورد سوء رفتار جسمی قرار گرفتند کسانی بودند که توسط والد یا مراقبت کننده مورد هر نوع عمل جسمی با هدف ارضای والد یا مراقبت کننده قرار گرفتند که این امر نخست باعث می شود این افراد از خود و ظاهر خود نفرت داشته باشند، عزت نفس بسیار پایینی داشته باشند، کمتر خود را یک شخصیت ایده آل بدانند و کمتر برای خود ارزش قائل شوند، در مقابل این افراد تمایلی برای دروغ و ریا کاری و رفتارهای پرخاش گرانه ندارند که این عوامل در نهایت باعث می شوند که با افزایش سوء رفتار جسمی، میزان خودشیفتگی کاهش یابد، اما تغییر معنی داری در ماکیاولیسم و جامعه ستیزی ایجاد نشود. علاوه بر این، در تبیین رابطه مثبت و معنی دار سوء رفتار غفلت با خودشیفتگی و رابطه منفی و معنی داری با جامعه ستیزی و ماکیاولیسم می توان گفت افرادی که مورد سوء رفتار غفلت قرار گرفتند کسانی بودند که از نیازهای اساسی خود توسط والد یا مراقبت کننده محروم شدند و از این طریق دچار صدمه عاطفی و جسمی شدند که این امر نخست باعث می شود به دلیل آن که دیگران به نیازهای اساسی آن ها کمتر توجه کردند، آنان نیز

برخی جهات با پژوهش های قبلی هم سو و از برخی جهات ناهم سو بود. برای مثال گراور و همکاران ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سوء رفتارهای جسمی، عاطفی و جنسی با خودشیفتگی و جامعه ستیزی رابطه معنی دار مستقیمی داشتند، اما با ماکیاولیسم رابطه معنی داری نداشتند. هم چنین سوء رفتار غفلت با جامعه ستیزی و ماکیاولیسم رابطه معنی دار معکوس داشت، اما با خودشیفتگی رابطه معنی داری نداشت (۱۴). علاوه بر این، کاترن دال و همکاران (۲۲) و زانارینی و همکاران (۲۳) ضمن بررسی رابطه سوء رفتار جنسی در دوره کودکی با جامعه ستیزی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که بین سوء رفتار جنسی با جامعه ستیزی نوجوانان رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. هم چنین سیدمهدوی اقدم و همکاران در پژوهشی با عنوان رابطه تجربه انواع مختلف سوء رفتار دوره کودکی و اختلال های شخصیت خوشه B به این نتیجه رسیدند که سوء رفتار جنسی با اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی و نمایشی هم بستگی مثبت و معنی دار، سوء رفتار عاطفی با اختلال شخصیت خودشیفته رابطه منفی و معنی دار و با اختلال شخصیت مرزی و ضد اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری دارد. هم چنین بین سوء رفتار جسمی و تجربه غفلت با اختلال شخصیت ضد اجتماعی و مرزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (۱۰).

در تبیین رابطه منفی و معنی دار بین سوء رفتار جسمی با خودشیفتگی و رابطه مثبت و معنی دار با جامعه ستیزی و ماکیاولیسم می توان گفت افرادی که مورد سوء رفتار جسمی قرار گرفته بودند کسانی بودند که توسط والد یا مراقبت کننده بارها با رفتارهای پرخاش گرانه دچار صدمه جسمی شدند که این امر نخست باعث می شود برای رهایی از صدمه های جسمی به دنبال ریا و دروغ بروند و از این طریق از صدمه جسمی مجدد اجتناب کنند، مثلاً خود را مریض جلوه دهند تا والد یا مراقبت کننده آن ها را تنبیه نکنند و یا با رفتارهای ناهنجار و ضد اجتماعی مثل پرخاش گری و دعوا تلاش کنند از آسیب دیدن جسمی اجتناب کنند، اما به دلیل همان صدمه های جسمی زیاد فکر می کنند که دارای



این افراد برای پس گرفتن حق خود به رفتارها و روش های ناهنجار روی بیاورند، چون کمتر رفتارها و روش های هنجار را یاد گرفته و مورد استفاده قرار داده اند که این امر باعث می شود این افراد دارای شخصیت جامعه ستیز شوند. تبیین دیگر این که افراد دارای تجربه های سوء رفتار کودکی به دلیل داشتن تجارب ناگوار سوء استفاده تلاش می کنند با پرخاش گری و انجام رفتارهای ناهنجار از سوء استفاده های بعدی در امان بمانند و یا این که برای در امان ماندن از سوء استفاده، خود را به عاملان سوء استفاده نزدیک کنند و از آنان رفتارهای ناهنجار را یاد بگیرند که این امر باعث می شود جامعه ستیز شوند. علاوه بر آن یافته ها نشان داد که تجربه های سوء رفتار دوره کودکی توانایی پیش بینی معنی دار ماکیاولیسم دانشجویان را داشتند. در تبیین توانمند بودن تجربه های سوء رفتار کودکی در پیش بینی صفات تاریک شخصیت ماکیاولیسم می توان گفت تجربه های سوء رفتار کودکی یکی از عوامل موثر در ایجاد یا رشد اختلال های شخصیت به شمار می روند که این اختلال ها باعث به وجود آمدن شخصیت دارای اختلال ماکیاولیسم می شود. تبیین دیگر این که افراد دارای تجربه های سوء رفتار کودکی به دلیل این که خاطره های بسیار ناگواری را تجربه کرده اند و با نیرنگ، فریب کاری و دغل بازی مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، این نیرنگ ها، فریب کاری ها و دغل بازی ها را یاد می گیرند و در زندگی خود از آنها استفاده یا سوء استفاده می کنند که این امر باعث به وجود آمدن شخصیت ماکیاولیسم می شود.

نخستین محدودیت این پژوهش استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی بود. در چنین ابزارهایی ممکن است افراد با دقت پاسخ ندهند که این امر دقت نتایج را کاهش می دهد. محدودیت دیگر محدود شدن نمونه به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه بود. آخرین محدودیت این که تجربه سوء رفتار کودکی اطلاعاتی درباره دوران کودکی از افراد می پرسد و با توجه به این که زمان اطلاعات را تحریف می کند، از این رو این امر تا حدودی دقت نتایج را کاهش می دهد. بنابراین پیشنهاد

کمتر به دنبال روابط با دیگران باشند تا این که بخواهند در این روابط از ریاکاری، دغل بازی و یا رفتارهای ضد اجتماعی استفاده کنند، اما به دلیل همان عدم توجه دیگران، آنان به تخیل درباره خود می پردازند و از خود یک شخصیت رویایی می سازند که این عوامل در نهایت باعث می شوند که با افزایش سوء رفتار غفلت، میزان ماکیاولیسم و جامعه ستیزی کاهش و میزان خودشیفتگی افزایش یابد.

یافته های دیگر نشان داد که تجربه های سوء رفتار دوره کودکی توانایی پیش بینی معنی دار خودشیفتگی دانشجویان را داشتند. نتایج این پژوهش با پژوهش سیدمهدوی اقدم و همکاران (۱۰) هم سو و با پژوهش گراور و همکاران (۱۴) ناهم سو بود. در تبیین توانمند بودن تجربه های سوء رفتار کودکی در پیش بینی خودشیفتگی می توان گفت افرادی که سابقه تجربه های سوء رفتار کودکی دارند از دیگران فاصله می گیرند، بیشتر به صورت تنها بازی می کنند و بیشتر درون گرا می شوند که این عوامل نخست باعث می شود که از نظر خودشان افراد برجسته و قابل تحسینی باشند و در نهایت یک شخصیت خودشیفته در آنها شکل می گیرد. تبیین دیگر این که افراد دارای تجربه های سوء رفتار کودکی به دلیل این که خاطره های بسیار ناگواری درباره صدمه های جسمی، عاطفی، جنسی و یا درباره غفلت دارند، این خاطره های ناخوشایند را به شکل خاطره های خوشایند تغییر می دهند و بارها و بارها برای خود تکرار می کنند که این امر نخست باعث می شود با خیال پردازی برای خود یک خود آرمانی بسازند که این امر در نهایت باعث به وجود آمدن شخصیت خودشیفته می شود.

هم چنین یافته ها نشان داد که تجربه های سوء رفتار دوره کودکی توانایی پیش بینی معنی دار جامعه ستیزی دانشجویان را داشتند. نتایج این پژوهش با پژوهش های سیدمهدوی اقدم و همکاران (۱۰)، طهماسبیان و همکاران (۱۶) و کاترن دال و همکاران (۲۲) هم سو و با پژوهش گراهام و همکاران (۲۴) ناهم سو بود. در تبیین توانمند بودن تجربه های سوء رفتار کودکی در پیش بینی شخصیت جامعه ستیزی می توان گفت تجربه های سوء رفتار کودکی باعث می شود

**منابع**

1. Ulucinar U, Akar C, Demir M, Demirhan G. An investigation on epistemological beliefs of university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2012;46:5133-7.
2. Comer R. *Abnormal psychology*. 8<sup>th</sup> Ed. New York: Worth Publishers; 2012.
3. Sadock B, Sadock V. *Synopsis of psychiatry*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2003.
4. Choi-Kain LW, Fitzmaurice GM, Zanarini MC, Laverdière O, Gunderson JG. The relationship between self-reported attachment styles, interpersonal dysfunction, and borderline personality disorder. *The Journal of nervous and mental disease*. 2009; 197(11):816-21.
5. Skodol AE, Clark LA, Bender DS, Krueger RF, Morey LC, Verheul R, et al. Proposed changes in personality and personality disorder assessment and diagnosis for DSM-5 Part I: Description and rationale. *Personality disorders: theory, research, and treatment*. 2011; 2(1):4-22.
6. Timmerman IG, Emmelkamp PM. The relationship between attachment styles and Cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. *International Journal of Law and Psychiatry*. 2006; 29(1):48-56.
7. Paulhus DL, Williams KM. The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of research in personality*. 2002; 36(6):556-63.
8. Carter GL, Campbell AC, Muncer S. The dark triad personality: Attractiveness to women. *Personality and Individual Differences*. 2014; 56:57-61.
9. Millon T, Davis R. *Personality disorders in modern life*. 2<sup>nd</sup> ed. New York: John Wiley & Sons; 2004.
10. Seyyed Mahdavi Aghdam MR, Aliloo MM, Rezaee O. Relationship between different types of childhood abuse and cluster B personality disorder. *J Urmia Univ Med Sci* 2013; 24(3): 210-8. [Persian]
11. Karakuş Ö. Childhood abuse and attachment styles of adolescents. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*. 2012; 10:645-58.
12. Fujiwara T, Okuyama M, Izumi M. The impact of childhood abuse history, domestic

می شود در پژوهش های آتی برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های ساختار یافته و نیمه ساختار یافته استفاده شود. انجام پژوهش در دانشجویان سایر دانشگاه ها و سایر گروه ها مثل کودکان، نوجوانان و غیره و حتی مقایسه گروه ها می تواند نتایج جالبی در پی داشته باشد.

**نتیجه گیری**

نتایج این پژوهش نشان داد که تجربه های سوء رفتار کودکی با صفات تاریک شخصیت رابطه دارند و هم چنین توانایی پیش بینی معنی دار آن ها را دارند. از این رو والدین برای جلوگیری از شکل گیری صفات تاریک شخصیت باید مراقب کودکان خود باشند و آنان را برای مراقبت به هر شخصی نسپارند تا از این طریق ابتدا از وقوع سوء رفتارهای جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت و در نتیجه از وقوع شکل گیری صفات تاریک شخصیت جلوگیری کنند. هم چنین مدیران و مربیان مهدکودک ها باید از تأثیر سوء رفتارهای دوره کودکی بر شخصیت بزرگ سالی کودکان آگاه باشند و با مراقبت های لازم و بازی های گروهی شاد و مفرح برای همه کودکان از تجربه سوء رفتار در کودکان توسط سایر کودکان جلوگیری کنند. علاوه بر آن، برنامه ریزان، مسئولان و دست اندکاران باید برای مدیران و مربیان مهدکودک ها به طور پیوسته کارگاه های آموزشی با هدف ارتقای آگاهی و مهارت های آنان در برخورد با کودکان برگزار کنند.

**تشکر و قدردانی**

نویسندگان از رئیس و معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه و کلیه شرکت کنندگان که در انجام این پژوهش همکاری نمودند کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایند. لازم به ذکر است که این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی عمومی می باشد.

- violence and mental health symptoms on parenting behaviour among mothers in Japan. *Child: care, health and development*. 2012; 38(4):530-7.
13. Tyrka AR, Wyche MC, Kelly MM, Price LH, Carpenter LL. Childhood maltreatment and adult personality disorder symptoms: influence of maltreatment type. *Psychiatry Research*. 2009; 165(3):281-7.
14. Grover KE, Carpenter LL, Price LH, Gagne GG, Mello AF, Mello MF, et al. The relationship between childhood abuse and adult personality disorder symptoms. *Journal of personality disorders*. 2007;21(4):442-7.
15. Bierer LM, Yehuda R, Schmeidler J, Mitropoulou V, New AS, Silverman JM, et al. Abuse and neglect in childhood: relationship to personality disorder diagnoses. *CNS spectrums*. 2003; 8(10):737-54.
16. Tahmasbyan H, Jafari J, Roshanai B, Chaghazardi S, Hosseini A, Amjadian N. The Relationship Between Child Abuser Parent and Personality Characteristics with Criminal Behavior Among Prisoners in Kermanshah. *IJFM*. 2012; 18(1):17-24.[Persian]
17. Jonason PK, Jackson CJ. The Dark Triad traits through the lens of Reinforcement Sensitivity Theory. *Personality and Individual Differences*. 2016; 90:273-7.
18. Jonason PK, Webster GD. The dirty dozen: a concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*. 2010; 22(2):420-32.
19. Austin EJ, Saklofske DH, Smith M, Tohver G. Associations of the managing the emotions of others (MEOS) scale with personality, the Dark Triad and trait EI. *Personality and Individual Differences*. 2014; 65:8-13.
20. Mohamad Khani D, Mohammadi M, Nazari M, Razaghi O. Development validation and reliability of child abuse self-report sale in Iranian student. *Med J IR Iran*. 2003; 17(1):51-8.[Persian]
21. Myers LS, Gamest G, Garino AJ. Applied multivariate research. Translate by Sharifi H, Farzad V, Rezakhani SD, Hasanabadi HR, Izanlo B, Habibi M. Tehran: Roshd Publication. 2012; 563. [Persian]
22. Katerndahl D, Burge S, Kellogg N. Predictors of development of adult psychopathology in female victims of childhood sexual abuse. *The Journal of nervous and mental disease*. 2005; 193(4):258-64.
23. Zanarini MC, Yong L, Frankenburg FR, Hennen J, Reich DB, Marino MF, et al. Severity of reported childhood sexual abuse and its relationship to severity of borderline psychopathology and psychosocial impairment among borderline inpatients. *The Journal of nervous and mental disease*. 2002; 190(6):381-7.
24. Graham N, Kimonis ER, Wasserman AL, Kline SM. Associations among childhood abuse and psychopathy facets in male sexual offenders. *Personality disorders: theory, research, and treatment*. 2012; 3(1):66-75.